

APAGA

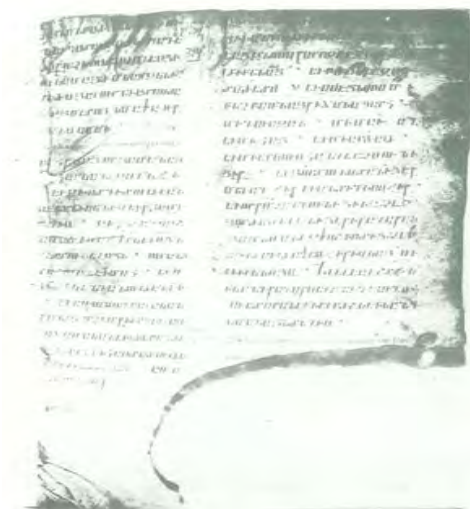
Quarterly

آپاگا

فصلنامه

فصلنامه فرهنگی - اجتماعی مطالعات شرق شناسی ، ایرانشناسی و ارمنی شناسی

An International Journal of Oriental Studies



© 2015 APAGA. All rights reserved. ISSN 1682-5438

یک برگ از نسخه خطی (سده ۹-۱۰) تاریخ موسی خورنی

ISSN 1682-5438

شماره ۶۲ تابستان (شهریور) ۱۳۹۴

No. 62, September 2015

آپاگا فصلنامه بین المللی ایران‌شناسی و ارمنی‌شناسی

شماره ۶۲ تابستان ۱۳۹۴

صاحب امتیاز و مدیر مسئول

ادیک باغداساریان

صندوق پستی شماره ۹۴۸۸-۱۵۸۷۵

تهران - ایران

نشانی اینترنت www.apagaonline.com و www.apagamonthly.4t.com

apaga98@hotmail.com

پست الکترونیکی

ISSN 1682-5438

فهرست

تاریخ ایران - عواقب یورش تازیان آذربایجان بر پایه منابع ارمنی	فارسی
ارمنی‌شناسی در دانشگاه‌های ایران - تهران	ارمنی
حکومت ترور و وحشت - کردان مهندس زاره حده حیان	انگلیسی

مقالات و دیدگاه‌های مندرج در نشریه لزوماً بیانگر موضع "آپاگا" نیست.
نشریه در حکم و اصلاح مقاله‌ها مجاز است.
مقالات و مطالب رسیده بازگردانده نمی‌شود.
استفاده از مطالب "آپاگا" با ذکر ماخذ آزاد است.

شمارگان ۱۰۰ بها ۵۰۰ تومان
چاپ احسان-تهران چهارراه ولیعصر پلاک ۱۱۴۸

تاریخ آران

عواقب فتوحات تازیان

دکتر ادیک باغداساریان

فتوحات تازیان و تشکیل خلافت آنان در خاور نزدیک و میانه (دهه های ۴۰-۳۰ سده ۷م). اوضاع سیاسی- نظامی و اجتماعی- اقتصادی جدیدی پدید آورد که با تمام عواقب خود نقش سرنوشت سازی در زندگی مردمان منطقه ایفا نمود. حرکتها و مهاجرت های طوایف کوچ نشین ترک آسیای میانه دور دست چه در موطن خود و چه خارج از مرزهایشان عمیقاً با حکومت تازیان در این دوران مرتبط بود. اینها، به نظر ما عمدتاً به سیاست تازیان در خاور نزدیک و میانه، گسترش اسلام و شرایط مناسب پدید آمده بعد از آنها مربوط بودند. تا زمان فتوحات تازیان و گسترش اسلام نیز طوایف ترک که اجدادشان از زمان های باستان در نواحی شمالی چین می زیستند، مهاجرت خود را آغاز کرده از سده های ۶-۴ تدریجاً به سمت غرب در سواحل خزر و سپس دانوب گسترش می یافتند.

مهاجرت طوایف ترک جنگ طلب پیش از دوران تازیان دلایل و انگیزه هایی داشت که بررسی آنها بیرون از حوصله این مقاله می باشد. هدف اصلی ما بررسی نفوذ و رخنه طایف ترک به خاور نزدیک بر اساس منابع عرب زبان می باشد، رخنه ای که در دوره آغازی سلطه خلفای عرب بغداد (۱۲۵۸-۷۵۰م). شروع شد. با این حال باید گفت که یکی از دلایل مهاجرت ترکان جستجوی مراتع و چراگاه های جدید بود. این مهاجرت ها معمولاً توأم با برخورد خونین با مردمان بومی بود. ترکان موفق نشدند از جنوب مقاومت شدید ساسانی را در هم بشکنند، گر چه آنان در آنجا بسیار فعال بودند. با این حال یکی از اقوام ترک در یکی از مهاجرت های سده دهم میلادی از ترکستان غربی خارج شده در خراسان حکومت غزنوی (سده های ۱۲-۱۰م). را پایه گذاری نمود. در عین حال، در نیمه دوم سده دهم، حرکت جدیدی در ترکستان آغاز شد که پیرو

آن حکومت جهانگشای سلجوقی پایه گذاری گردید و بنا به گفته مارکس «تمام روابط را در آسیای مقام» تغییر داد.

ترکان پیش از اسلام برای تازیان آشنا بودند و این آشنایی اساساً توسط منابع فارسی و ایرانی حاصل شده است. اما تماس گسترده آن دو دیرتر و از زمان حلفای عمان صورت گرفت (۷۵۰-۶۶۱م). می دانیم که تازیان از خراسان وارد خوارزم (آغاز سده ۸م) شده ماوراءالنهر را تصرف نموده در این سرزمین ایرانی استحکام یافتند (سغد با پایتخت های بخارا و سمرقند، خوارزم و غیره). طوایف اغوز (ترکمن) که تا آن زمان به اینجا مهاجرت کرده بودند تقریباً این استان های متمدن ایرانی را تغییر شکل داده بودند و این نواحی در آینده پایگاه مستحکمی برای اقوام یاد شده جهت نفوذ دست اندازی به ایران و آسیای مقدم شدند (سده ۱۱م). مردمان بومی ایرانی سغد و خوارزم در مقابله با طوایف مهاجم ناکام بودند لذا بخش اعظم ماوراءالنهر بتدریج به ترک نشین شد. در آن زمان در نواحی مرزی شمال شرقی خلافت عرب (بویژه گرگان، نواحی میان دریای خزر تا جنوب شرق)، نفوذ ترکان بی سرو صدا و راحت صورت گرفت. به همین علت است که نمی توان تاریخ دقیقی برای گسترش ترکان در نواحی مذکور مشخص نمود.

طوایف ساکن شده در این استانهای ایرانی، همچنین غزنویان، به اسلام گرویدند و با ایجاد تماس با دنیای عرب، تحت تاثیر فرهنگ عرب قرار گرفتند. اما سایر اقوام هم نژاد آنان که در نواحی شرقی آسیای مرکزی ساکن بودند، طبیعتاً تحت تاثیر فرهنگ چین قرار داشتند.

در دنیای اسلام سده نهم دیگر اطلاعاتی راجع به ترکان وجود داشت. در منابع عربی سده های میانه اطلاعات زیادی در باره طوایف مختلف ترک وجود دارد. کافی است یادآور شویم که از سده نهم جغرافیدانان عرب (ابن الفقیه، المسعودی و غیره) در آثارشان راجع به تعدادی از اقوام ترک مطالبی ذکر کرده اند. در هر حال، تصویر اصلی ترکان نواحی مرکزی خلافت عرب توسط اسیران جنگی و برده های ترک پدید می آمد. برای نمونه، جالب است که در دوره اولیه خلافت عرب، حاکمان خراسان و شرق تنها اسرای جنگی و برده های ترک را به عنوان خراج به بغداد می فرستادند. المقدسی جغرافیدان سده ۱۰م. در این باره می نویسد که خراج سالانه خراسان شامل ۱۲ هزار برده ترک بود (المقدسی، ۳۴۰).

جنبش های مردمی ضد عباسی در پهنه گسترده خلافت عرب که از سده نهم میلادی آغاز شده بودند و نیز تضادهای داخلی دربار و نیز دسیسه های برمکیان ایرانی تبار که به منصب های عالی حکومت بغداد رسیده بودند، خلفا را به این اعتقاد هدایت کردند که می بایست یک ساختار قوی نظامی متشکل از عناصر غیر عرب و غیر ایرانی پدید می آورد. به همین علت بود که اسیران جنگی و برده های ترک که از ماوراء النهر و کشور خزران آورده می شدند جایگاه خاصی یافتند، بدین سان ارتقاء غلامان ترک به مناصب عالی نظامی خلافت آغاز گردید.

ارجحیت جنگاوران ترک نخست این بود که هیچ ربطی به محیط جدید نداشتند و منافع مردم بومی بر ایشان نامأنوس بود. سپاه ترکان در وهله نخست برای سرکوب شورشهای پایتخت بغداد مورد استفاده قرار گرفت و بدین ترتیب تکیه گاه مطمئنی برای دفاع از خلافت و سرکوب جنبش های مردمی گردید.

گر چه در اوایل سده نهم م. در زمان خلافت مأمون (۸۳۸-۸۱۳ م.) لشکر ترک قدرت نظامی بالایی داشت اما جنبش های ضد عباسی بی وقفه ادامه می یافتند.

لشکرهای آماده ترک به مهمترین مراکز ضد عرب و ضد فتوادی ارسال می شدند. برای نمونه، نظامیان ترک در مبارزه ۲۰ ساله سپاه عرب در برابر جنبش بابک خرمدین جایگاه مهمی داشتند و در اثر تلاش آنان بود که سرانجام در سال ۸۳۳ م. بابک دستگیر و در سامره به مرگ محکوم گردید.

نقش عنصر جنگجوی ترک در دستگاه خلافت عرب چنان اهمیت یافت که بعدها خلفا تبدیل به عروسکی در دست آنان شدند و این امر بویژه در زمان معتصم مشهود بود. فرماندهان رده بالای ترک تدریجاً شروع به دخالت در امور دربار کردند و کسانی که مورد پذیرش آنان نبودند عزل و افراد مطلوب به خلافت می رسیدند. برمکیان ایرانی تبار برای جانشینی ترکان پا به عرصه گذاشتند و امور اساسی دربار را در دست خود گرفته بر امور داخلی و خارجی دربار عباسیان نفوذ و تاثیر زیادی پیدا کردند. مورخان عرب سده های میانی، اختلافات و شکافی که در دربار خلفا ایجاد شده بود به عنصر ترک نسبت می دهند و برآستی نقش منفی آنان را در زندگی حکومتی عباسیان مورد تاکید قرار می دهند. نظامیان ترک پس از رسیدن به مقام های عالی نظام سیاسی و اقتصادی خلافت عباسی را واقعا "تضعیف نمودند. افزون بر آن، اسیران آورده شده از آسیای میانه،

پس از سده نهم میلادی، صاحب زمینهایی در ایران، تارسون، آدانا، ماراش، ملطیه، خلات، منازگرد و کارین شدند. این بخشش اراضی تدریجا محدود به درباریان و تنها در پهنه عراق شد. احمد ابن تولون و محمد ابن توغچ از فرماندهان نظامی ترک مصر و سوریه تدریجا مستقل شدند و فعالیت آنان زمینه را برای استقرار خلافت فاطمیان (۱۱۸۱-۹۰۹م.) با عرب آماده ساخت.

بدین ترتیب تا سده ۱۱م. ترکان بعنوان عنصر جنگی به خاور نزدیک رخنه کردند. این مهاجرت ها از طریق ایران به سوی نواحی مرکزی حکومت عرب هرگز ماهیت گروهی و توده ای بخود نگرفتند. این سربازان مزدور با قطع ارتباطشان از موطن خود و با قرار گرفتن در زیر نفوذ فرهنگ اسلامی، تدریجات مستحیل شدند. گرچه تعداد آنان در پهنه گسترده خلافت عرب بسیار ناچیز بود. اگر چه آنان در حیات سیاسی-نظامی دربار صاحب نقش شدند اما هیچگونه تغییری در ساختار قومی خاور نزدیک پدید نیاوردند. با این حال، رخنه آنان و تاسیس حکومت غزنوی و توسعه فعالیت آن در نواحی مرزی خلافت عرب زمینه را برای لشکرکشی مخرب و ویرانگرانه سلجوقی آماده ساختند و در طول آنها مهاجرت بزرگ طوایف ترک به سوی خاور نزدیک انجام شد.

ظهور ترکان سلجوقی در صحنه تاریخ برای مردمان و کشورهای خاورمیانه و نزدیک سرنوشت ساز بود. ترکان سلجوقی در اثر فعالیت های راهزنی و لشکرکشی های خود در سده های ۱۱-۱۰م. تدریجا موفق شدند سیطره خود را بر ناحیه وسیعی حاکم سازند که از آسیای میانه تا ایران، آسیای صغیر، قفقاز و غیره امتداد می یافت و در این نواحی شرایط پیچیده و بغرنجی پدید می آمد. سلطان طغرل بیک سلجوقی پس از پیروزی در جنگ دانداکان (در تاجیکستان) به سال ۱۰۴۰ و اعلام حکومت، برای پنهان کردن ماهیت سلطه جوانه لشکرکشی ها، مهمترین مسئله خود را حفظ سنی گری اسلامی و آزاد سازی و رهانیدن خلافت عباسی از دست بویان ایرانی تبار قرار داد. این سیاست حيله گرانه بعدها باعث گرایش سنی ها بسوی او شد. طغرل پس از درهم شکستن حکومت غزنوی در دهه ۴۰ سده ۱۱م. لشکرکشی گسترده ای بسوی ایران، عراق، قفقاز و آسیای صغیر آغاز کرد و فتح آنها در دوران اولیه توسط نیروی های ترکمن اغوز عملی شد. با این حال لشکرکشی های او در دهه ۵۰ سده ۱۱م. شدت گرفت و او بغداد پایتخت خلفای عباسی را متصرف شد. آنگاه سلجوقیان متوجه شمال میانرودان و استان های مرکزی ارمنستان شدند.

مطالب موجود گواهی می دهد که اغوزهای رخنه یافته در نواحی یاد شده از طریق آذربایجان به آنجا راه یافته اند زیرا مهمترین مسیر برای رسیدن به قفقاز بود. طویف اغوز در سال ۱۰۲۹م. به این استان خان نشین رخنه کردند یعنی زمانی که گروه های سلجوق-ترکمن و نیروهای مشترک اغوز-ترکمن از سلطان محمود غزنوی متحمل شکست شدند.

دامنه لشکرکشی های ترکان سلجوقی در دهه ۴۰ سده ۱۱م. تدریجا "گسترش یافت و تا پایان سده، ایران، عراق، سوریه، آذربایجان، ارمنستان، آسیای صغیر و نواحی دیگر فتح شدند. سلجوقیان، نقشه سیاسی این نواحی را کلاً متحول کردند.

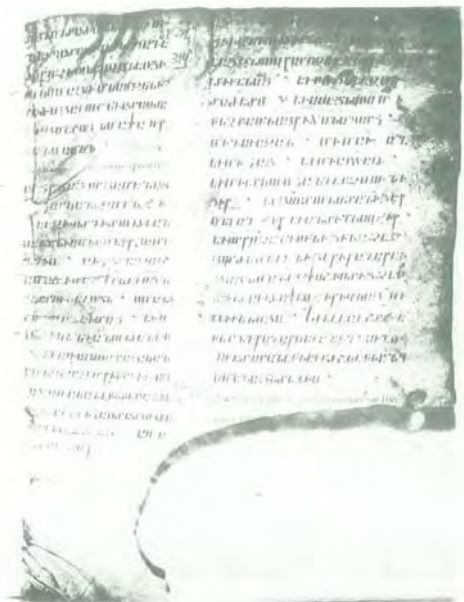
بدین سان، در نتیجه حملات راهزنانه، ظلم های غیر انسانی و قتل و غارتها، عنصر ترک صاحب اوضاع خاور نزدیک گردید و چه زمان و چه شرایط سیاسی مساعد ایجاد شده به آن کمک کردند.

اجمالاً باید گفت که بررسی منابع عرب نشان می دهد که عنصر ترک در دو مرحله مختلف وارد خلافت عرب و بطور کلی خاور نزدیک و میانه شد. در مرحله اول ترکان با اهداف سیاسی و اقتصادی بعنوان اسرای جنگی و غلامان به قلمرو خلافت آورده شدند و هیچگونه خطری برای منطقه نبودند. در این دوره (سده های ۱۱-۹ م.) تا ظهور ترکان سلجوقی هیچگونه پدیده ترکی شدن منطقه مشاهده نمی شود. مرحله دوم به مراتب خطرناک تر و خونین بار تر بود و صفحه خونینی در تاریخ کشورها و مردمان منطقه از جمله تاریخ ارمنیان باز نمود. فتوحات سلجوقی به طویف ترک امکان داد بدون مشکل و براحتی وارد خاور نزدیک شوند و در اینجا اسکان گزیده بعدها مردمان ترک و آذربایجانی را تشکیل داده بعنوان هسته اساسی آنها عمل کنند.

آذربایجان بر پایه برخی منابع ارمنی

دکتر ادیک باغداساریان

تقریباً در همه منابع ارمنی بطور مستقیم یا غیر مستقیم به آذربایجان به عنوان سرزمین شمالی ایران اشاره شده است. در این منابع نام این خطه به صورت آترباتاگان (Aterpatakan) ضبط شده و تا امروز نیز در کتاب ها و مطبوعات و رسانه ای همگانی ارمنی همین نام به کار می رود. در برخی منابع حتی نام "سرزمین ماد" برای آن به کار می رود. لفظ آذربایجان شیوه نامگذاری ترکی منشعب از تازی برای این سرزمین است.



ՄԻ ՊԱՏՏՈՒԿԻ ՄՈՒՍՍԵՍ ԻՆՈՒՅԱԼՈՒՆ ԷՋԱՌՈՆ
ՊԱՏՏՈՒԹՅԱՆ IX-X ԴԴ. ՁԵՆՈՒԹՅՈՒՆ

یک برگ از نسخه خطی (سده ۹-۱۰) تاریخ موسی خورنی

بر اساس منابع ارمنی ، آذربایجان سرزمین بزرگی بالغ بر ۱۰۰ هزار کیلومتر مربع در غرب دریای مازندران و شرق ارومیه و جنوب رود ارس است.

این سرزمین در سده های ۶-۷ پ.م. در قالب حکومت ماد و سرزمین ماد قرار داشت و در سده های ۴-۶ پ.م. جزو ساتراپ نشین ماد کوچک در حکومت هخامنشی بود. در سال ۳۲۱ از خودمختاری برخوردار شد. از دیرباز اقوام مادی در این سرزمین حاکمیت داشتند. از دهه ۸۰ پیش از میلاد مهرداد شاه آترپاتکان تحت فرمان تیگران بزرگ پادشاه ارمنستان قرار داشت. شاهان اشکانی ارمنی (سلسله اشکانیان ارمنستان) در سده های ۳-۱ م. آترپاتکان را به مایملک موروثی خود تبدیل کردند و آن را آترپاتکان ارمنی یا استان ماد نامیدند.

در سال ۲۵۲ آترپاتکان در قالب حکومت ساسانی قرار داشت و از سده ششم یکی از کواستاک های چهارگانه ایران با مرکز گنجه گردید. پس از تقسیم ارمنستان در سال ۳۸۷ میان روم و ایران ، آترپاتکان با نواحی خوی و سلماس (هر و زارواند) به استان پارسکاهایک ارمنستان بزرگ (یکی از ۱۵ استان ارمنستان بزرگ یا هایک بزرگ) ملحق شد.

این سرزمین در سال های ۶۴۳-۶۳۸ م. به تصرف تازیان در آمد و کوچ نشینانی از عربستان در آنجا اسکان یافتند و تلاش نمودند اهالی بومی را تازی کنند (همانند مصر و اردن و فلسطین ، سوریه و لیبی و غیره). در سده دهم میلادی برخی از مناطق آترپاتکان (ارومیه ، آیلی ، تراب ، تامبر) جزو قلمرو حکومت پادشاهی ارمنی آرزرونی در واسپوراگان (استان وان امروزی و مناطق ساحلی جنوب ارس) در آمدند.